

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture No. 04, 2017, pp 09-16	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 04 سالنامه 2017 میلادی، صص 09-16
---	---

The beginning and promotion of mysticism and Sufism from the fifth century to seventh century AH

*Amber Yasmin

Abstract:

The religion of Islam is the religion of solidarity, compassion and friendship. According to the Quran, the companions of the Prophet (PBUH) and His preaching promoted brotherhood, peace, coexistence and Divine recommendations. Mysticism has been the main subject of prose and poetry of Persian literature since its beginning. The writers and poets of Persian language have continuously been putting in efforts to depict spiritual ideas with the help of art. The well-known mystic poets like Ba Yazid Bastami, Hussein ibn Mansoor Halahg, Abu Sa'id Abu-al-Khair, Mohammed bin Monawar, Nasir Khosrow Ghobadiyan and Baba Tahir Uryaan played their role in promotion of mystic poetry. In this period, not only did several poets emerge, but great books of Sufism were also produced by leading authors. In this article, the role of famous poets in the growth of Sufism from Abu Sa'id Abu-al-Khair to Mowalna Jalal-ul-Din Rumi has been analyzed with regard to their important works. The poets of this period spread the message of peace and reconciliation among the people through their works.

Key words: Peace and reconciliation, spiritualism and mysticism, mystic poets, great works.

آغاز و ارتقای عرفان و تصوف از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری

*امیر یاسمین

چکیده:

دین اسلام، دین صلح و همزیستی، دین آرامش و همدلی و مودت است. صلح و همزیستی از توصیه های الهی در قرآن و از اهداف مهم انبیاء به ویژه پیامبر اسلام می باشد. همچنین عرفان و تصوف موضوع مهم نثر و شعر ادبیات فارسی از آغاز بوده است و نویسندگان و شاعران زبان فارسی مداوم با کمال هنر و زیبایی، افکار عارفانه را معرفی نموده اند. از میان عارفان معروف که متقدمان متصوفه نامبردارند با یزید بسطامی، حسین بن منصور حلاج، ابو سعید ابو الخیر، محمد بن منور، ناصر خسرو قبادیانی و بابا طاهر عریان را باید نام برد که شعر عارفانه را رونق و رواج داده اند. در این دوره نا فقط شاعران نامی ظهور کرده بلکه کتب های بسیار از رنده متصوفه نیز از مولفان برجسته دیده می شود. در مقاله حاضر سعی می شود که نقش شاعران متصوفه نامی از ابو سعید ابو الخیر گرفته تا مولانا جلال الدین رومی با آثار مهم شان بررسی شود که چگونه شاعران نامبرده بوسیله شعرشان پیام های صلح و آشتی را بین مردم رواج داده اند.

کلید واژه ها: صلح و همزیستی، عرفان و تصوف، شاعران متصوفه، آثار ارزنده

روش تحقیق:

در این تحقیق از روش توصیفی استفاده شده است. گردآوری اطلاعات بر مبنای منابع مورد مطالعه و اطلاعات به دست آمده با شیوه توصیفی انجام شده است.

جهان امروزی نیازمند صلح و آرامش است. تقاضای عصر حاضر همین است که به پیام های والای صوفیاء رجوع کنیم چون مطالعه آثار عرفانی نا فقط نیاز عصر حاضر است بلکه باعث آرامش و اطمینان خاطر نیز می باشد.

از شیخ ابو سعید ابو الخیر نقل می کنند. روزی شیخ را گفتند: یا شیخ! فلان مریدت راه افتاده است مست و خراب. فرمود: الحمد لله که بر راه افتاده است، از راه نیفتاده است.

همینطور از حلاج پرسیدند که تصوف و عرفان چیست؟ گفت که دو قدم اگر برداری می رسی یکی از بر می آید خودمان و دیگر به سمت خدا.

تصوف و عرفان اسلامی بی تردید، از خود اسلام مایه گرفته و تصوف و عرفان در اسلام با تزهّد و تجرد و دوری گزیدن از اغراض و آمال دنیوی و پیروی از راه روش زندگانی اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم آغاز شد و بعد رو به رشد نهاد و با ظهور با یزید بسطامی، دوالنون مصری، جنید بغدادی و حسین بن منصور حلاج بتدریج ابعاد و جنبه های نظری به خود گرفت. همین ویژگی و مفهوم رادر سده های بعد "مشایخ صوفیه چون ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر در مجالس و حلقه های محدود و از طریق روحانی و شوق انگیز به تعلیم و ارشاد می پرداختند و گاه در فضای روحانی و شوق انگیز که سماع به تبلیغ و تلقین احوال عرفانی مشغول می شدند بعد ها که شمار فرقه ها مسلک های صوفیه پیش تر شد سلسله ها و طریقه های مختلف در خانقاه ها و درجات و مراتب خانقاهی به وجود آمد و سلسله مشایخ به صورت توالی طبقات دنبال گردید". (موسوی، 1385، ش 1، ص 270) ازین پس به بعد عشق عرفانی را صوفیه و مشایخ چون علی بن عثمان هجویری، خواجه عبدالله انصاری، شیخ احمد غزالی و عین القضات همدانی رونق تازه ای بخشیدند و معانی صوفیانه را در قالب نظم و نثر رواج دادند. ازین نظر اگر بگوییم که سرزمین خراسان مهد تصوف و صوفیاء است نادرست نباشد. چون "صوفیای نامی ازین سرزمین قدیم در پرورش تصوف تأثیر قابل ملاحظه داشته اند. ابو سعید ابو الخیر اولین شیخ بزرگ صوفی

است که سماع و قول و غزل را در خراسان در بین صوفیه رواج داد" (زرین کوب، 1386ش
 ،ص 61) در طوس و نیشاپور ، مجالس او خیلی زود توجه علاقه مندان را جلب کرد مخصوصاً آن
 رو که این مجالس گرم و پرشور بود وی در طی آنها برخلاف رسم معمول شعر می خواند و
 شعر های عاشقانه ، بعلاوه وی دعوت های پر تکلف می کرد و مجالس سماع راه می
 انداخت... (همان ، ص 62)

راه تو به هر روش که پویند ،خوش است
 وصل تو به هر جهت که جویند ، خوش است
 روی تو به هر دیده که بینند نکو است
 نام تو به هر زبان که گویند ، خوش است
 (نفیسی، 1373ش، شماره رباعی 84 ص 13)

با مرور زمان عرفان و تصوف موضوع مهم نثر و شعر ادبیات زبان فارسی گردید و نویسندگان و
 شاعران ایرانی با کمال هنر و زیبایی، افکار عارفانه را معرفی کردند. در نیمه قرن چهارم مولف و
 صوفی برجسته که کتابش برای پژوهندگان تاریخ تصوف دارای ارزش بسیاری است، کتابی بنام
 "کشف المحجوب" تالیف کرد که موضوع آن راجع به طریقت و اصول تصوف و بیان کیفیت
 عشق به پروردگار است. در این کتاب هجویری احوال مشایخ، عقاید صوفیه و اقوال آنها را نیز
 بحث نموده است. "این طرز بحث، در کتب سایر کسانی که راجع به احوال صوفیه و مشایخ تصوف
 ، کتاب تالیف کرده اند سابقه ندارد." (زرین کوب، 1386ش، ص 72)

در قرن پنجم هجری جریان تازه ای در نویسندگی و بعد ها در شعر فارسی پیدا شد. "این جریانی
 بود که با نبوغ فکری و شاعران کسانی چون سنایی ، عطار و مولوی به اوج قوت خود رسید و به
 صورت نهضتی دامنه دار و بنیادی سراسر حیات روحی و فکری و فرهنگی و جامعه را در ادوار
 و سده های بعد در بر گرفت." (موسوی، 1385ش، ص 271) آنچنانکه سنایی ابراز داشته:

بس که شنیدی صفت روم و چین
 خیز و بیا ، ملک سنایی ببین

تا همه دل بینی بی حرص و بخل
تا جان بینی بی کبر و کین
(مصفا، 1336ش، ص 286-287)

در قرن پنجم هجری حکیم سنایی با سرودن اشعار زهد آمیز و پند و حکمت، شعر فارسی را به تحولی، بزرگ رهنمون شد. چون قبل ازین شعر فقط محدود به دربار بود. سنایی، آغازگر این تحول است که شعر را از مدح پادشاهان و خوبرویان بیرون کرد و چشم شاعران پس از خود را به روی دنیاها و قلمروهای نا شناخته ای باز کرد.

"غزلیاتش هم آنچه صوفیانه است مخصوصاً لحن قلندری دارد و ظاهراً مشرب عرفانی او نیز با راه قلندر بیشتر توافق داشته باشد. به هر حال اثر عمده او در زمینه شعر تعلیمی صوفیه- که در حقیقت قبل از مثنوی مولانا جلال الدین نیز بزرگترین بنای شعر تعلیمی متصوفه بشمارست." (زرین کوب، 1386ش، ص 246)

عاشق مشوید اگر توانید
تا در غم عاشقی نمائید
این عشق به اختیار نبود
دانم که همین قدر بدانید
هر گز مبرید نام عاشق
تا دفتر عشق بر نخوانید
(مصفا، 1336ش، ص 433)

این شاعر زبردست اخلاقی عالم ظاهر را پشت پا زده، چشم از جهان ظاهر فروبست و در عالم معنا گشود. شعر قلندرانه ای را لباس پند و اندرز پوشاند و به پیرایه قشنگی بیان نموده. "از لحاظ خیال انگیزی و شور آفرینی نیز اهمیت دارد و قصاید عرفانی او سر مشق تحقیقی خاقانی و پیروان شیوه او نیز هست. بدینگونه شعر او به عطار و مولوی شیوه تعلیمی صوفیانه را الهام داد." (زرین کوب، 1386ش، ص 237)

معهدا شعر تعلیمی صوفیه قبل از آنکه در نزد مولانا جلال الدین به کمال واقعی برسد. در کلام عطار سوز و شور تازه ی به دست آورد....(همان، ص 256)

عطار نیشاپوری شاعر و عارف نام آور ایران در آواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری می زیسته است که کم نظیر از شاعران ایران که زبان به مدح امیر و وزیری نگشود. "مردی وارسته از هوای نفسانی و هواجس دنیوی بوده و خود را سالکان واقعی وادی طریقت می دانسته است". (مشکور، 1968م، مقدمه ص هشت) در اندیشه عطار هم مانند سنایی آمادگی لازم برای یک تحول روحی و انتقال به تلقی تازه ای از زندگی وجود داشته و همین آمادگی، وی را در میانی سالهای عمرش به عارفی آزاده و حقیقت بین و بی نیاز تبدیل کرده است. به گونه ای که نیمه دوم حیات او بیشتر به تالیف کتب و سرودن اشعاری ژرف و پر معنا گذشته است". (تاریخ ادبیات ایران، 1376ش، ص 154)

ندارد درد ما درمان دریغا

فرو ماندم درین راه خطرناک

چنین واله چنین حیران دریغا

بماندم بی سرومان دریغا

رهی بس دور می بینم من این راه

نه سر پیدا و نه پایان دریغا...

(تفضلی 1341ش، ص 647)

"از میان مثنوی های عرفانی شیخ عطار دل انگیز تر و از همه شیوا تر که باید آنرا تاج مثنوی های عطار دانست منطق الطیر است." (مشکور، 1968م، مقدمه ص هشت) که می توان آنرا حماسه عرفانی نامید، عبارت است از گروهی از مرغان که برای جستن و یافتن سیمرغ – که پادشاه آنهاست – به رهنمایی هدهد به راه می افتند و در راه از هفت مرحله سهمگین می گذرند و پس از عبور هفت مرحله سر انجام حقیقت را در وجود خویش کشف می کنند.

چون به دریا می توانی راه یافت

سوی یک شبم چرا باید شتافت

هر که داند، گفت با خورشید، راز
 کی تواند ماند، از یک ذره باز؟
 هر که کل شد جزو را با او چه کار
 وانکه جان شد عضو را با او چه کار
 (مشکور، 1968م، ص53)

گذشته از منطق الطیر "الهی نامه"، "مصیبت نامه"، "مختار نامه" و "تذکرة الاولیاء" هم از آثار عرفانی عطار موجود اند که دارای مضمون های بلند صوفیانه انداما بعلت طوالت از شرح آنها صرف نظر می کنم.
 "مقام عطار در پیش شعرای بزرگ متصوف ایران که بعد از وی در قرن هفتم و هشتم ظهور کرده اند بسیار ارجمند است و اغلب او را به بزرگی یاد کرده اند.
 قاضی نور الله شوشتری در ستایش عطار سروده:

هفت شهر عشق را عطار گشت
 ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

همچنین مولانا در ستایش عطار چنین می سراید:

من آن ملای رومی ام که از نطقم شکر ریزد
 ولیکن در سخن گفتن، غلام شیخ عطارم"
 (مشکور، 1968م، ص دوازده مقدمه)

بعد از عطار، شعر عرفانی را مولانا جلال الدین رومی به اوج رسانیده. سن مولانا از شدت اشتیاق و آرزومندی در بیان نمی گنجد و بسان بحری که در کوزه ای ریزند معانی از الفاظ سرازیر می

کند و خواننده را غرق دریای حکمت و معرفت می سازد... این دریای معرفت که از سرچشمه پر برکت زبان مولانا بدامن دفتر جاری شده و طالبان معرفت یقینی را تا قیام رستاخیز سرمست و سیراب ساخته است." (دیوان شمس تبریزی، ص 9-10) دیباچه زندگی مولانا که در عشق و معرفت خلاصه می شد برای دوستان و مریدانش کمال و مطلوب اخلاقی پیروان صوفیه را تجسیم می داد.

مولانا از حکمت و عشق شمس تبریزی الهام گرفته و غیبت ناگهانی شمس در زندگی مولانا طوری تاثیری گذاشت که مولانا را بیشتر به دنیای عشق و هیجان کشانید تا اینکه غزلهای شور انگیز و پر ذوق سرود:

"بروید ای حریفان ، بکشید یار ما را

به من آورید آخر صنم گریز پا را

به ترانه های شیرین به بهانه های زرین

بکشید سوی خانه مه خوب و خوش لقا را

وگر او به وعده گوید که دمی دگر بیابم

همه وعده مکر باشد بفریید او شما را"

(کدکنی، 1388ش، ص 50-51)

درمیان آثار ارزشمند عرفانی "مثنوی معنوی" مولانا دارای پیام های صلح و دوستی و بی ریایی است. نیکی به خلق و تاثیر آن در آرامش روح از جمله است که باعث استحکام صلح و آشتی میان طبقات اجتماعی می گردد. حضور طبقات مختلف اجتماعی از پادشاه، وزیر، صوفی، غلام، کنیز، مطرب، زرگر، طبیب و روستایی و از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگ طبقات جامعه با مثنوی مولوی و نیز با مولانا بیانگر همین امر است. داستان های مثنوی، انسان را به اتحاد فکری دعوت می کند

خلاصه عرفان اسلامی از آغاز تا قرن هفتم هجری یکی از مهم ترین عناصر حیات دینی و اجتماعی مردمان مسلمان ایران است و در ادبیات و تجلیات روحی، فکری و ذوقی این مردم تأثیری عمیق گذاشته است. با این شعر مولانا عرایض خودم را بپایان می‌رسانم.

کار من این است که کاریم نیست

عاشقم از عشق تو عاریم نیست

(دیوان شمس تبریزی، ص 59)

منابع و مأخذ:

- ##. بجنوردی، کاظم موسوی، (1384ش)، ایران (تاریخ، فرهنگ، هنر)، انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- ##. فضل‌ی، تقی، (1341ش)، دیوان غزلیات عطار، انتشارات بهمن. تهران.
- ##. شمس تبریزی، (1908م)، دیوان شمس، انتشارات منشی لال کشور، کانپور، هند.
- ##. زرین کوب، عبدالحسین، (1386ش) جستجو در تصوف، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ##. کدکنی، شفیعی، محمد رضا، (1388ش) گزیده غزلیات شمس، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ##. مشکور، محمد جواد، (1968م)، منطق الطیر عطار، انتشارات کتابفروشی تهران.
- ##. مصفا، مظاهر (1336ش) دیوان حکیم سنایی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ##. نفیسی، سعید، (1373ش)، سخنان منظوم ابو سعید ابوالخیر با تصحیح و مقدمه حواشی و تعلیقات سعید نفیسی، انتشارات سنایی، تهران.
- ##. یاحقی، محمد جعفر (1376ش)، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات افست، تهران.